

**A comparative study of the quality policies of the acquisition of knowledge in the field of Islamic jurisprudence and law**

Azam Shabani 1

Received: 27 August 2023

Seyyed Mohammad Sadri2

Reception: 30 November 2023

Haider Amirpour 3

Akram Abdullahpour4

**Abstract**

One of the important issues in the proof of the lawsuit is the connection between them. Examining the similarities and differences and the quality of knowledge acquisition in each of them requires that, first, their meaning (scholarship and witness testimony) is explained, then the quality of knowledge acquisition in them should be discussed according to the conditions of each. Therefore, the purpose of this research is to point out the similarities and differences, after explaining how knowledge is obtained, because despite the similarities and differences, the relationship between expertise and eyewitness testimony is better defined, and the value of each, despite the type of knowledge in them, in cases differently, their position is determined differently, and it can give the belief to any researcher in this field that the difference in attributes and symptoms prevents the possibility of comparison in the concept. The difference in the attributes and symptoms prevents the possibility of comparing the two concepts, explaining that despite the common essence, it cannot be said that the rulings of each of the two concepts are applicable in the other, so the knowledge of each of the experts and the testimony of the witnesses prevents us from examining It is not necessary to be precise about the presence of science in each of them. In expressing the similarities and differences, the best result that will follow is that it is not possible to put each argument in place of another just because of the similarity.

**Keywords:** Acquiring knowledge, Conditions of witnesses, Expert, Jurisprudence and law, Testimony, Witness

---

<sup>1</sup>PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran (corresponding author)

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.472366.1050>

مطالعه تطبیقی سیاست های کیفیت حصول علم در باب کارشناسی و شاهد در فقه و حقوق ایران

اعظم شبانی<sup>۱</sup>

سید محمد صدری<sup>۲</sup>

حیدر امیرپور<sup>۳</sup>

اکرم عبدالله پور<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹

### چکیده

یکی از موضوعات مهم در ادله اثبات دعوا، ارتباط بین آن‌ها می‌باشد. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها و کیفیت حصول علم در هر یک، مستلزم این نکته است که، ابتدا مفهوم آن‌ها (کارشناسی و شهادت شهود) تبیین شده، سپس با توجه به شرایط هر یک به کیفیت حصول علم در آن‌ها پرداخته شود. بنابراین هدف این پژوهش، بعد از بیان چگونگی حصول علم، اشاره به شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌باشد، چرا که با وجود شباهت و تفاوت ارتباط بین کارشناسی و شهادت شهود بهتر مشخص می‌شود و ارزش هر یک، با وجود نوع علم در آن‌ها در موارد مختلف متفاوت، تقدم و تأخر جایگاهشان مشخص می‌شود و می‌تواند این باور را به هر محقق در این زمینه بدهد که تفاوت در اوصاف و اعراض مانع از امکان قیاس در مفهوم است. تفاوت در اوصاف و اعراض مانع از امکان قیاس دو مفهوم است، توضیح اینکه با وجود اشتراک جوهر، نمی‌توان گفت احکام هر یک از دو مفهوم در دیگری قابل اجرا است، بنابراین شناخت هر یک از کارشناسی و شهادت شهود، ما را از بررسی دقیق از چگونگی حضور علم در هر کدام بی‌نیاز نمی‌سازد. در بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها، بهترین نتیجه‌ای که در پی خواهد داشت این است که، نمی‌توان به صرف وجه شباهت، هر کدام از ادله دعوا را بجای دیگری قرار داد.

**واژگان کلیدی:** حصول علم، شهادت، شهود، شرایط شاهد، فقه و حقوق، کارشناسی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران a76360088@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Smsadri42@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Dr.amirpour@pnu.ac.ir

<sup>۴</sup> استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران abdolahpur@pnu.ac.ir

شهادت یکی از دلایل مهم و بحث ادله دعوی می‌باشد، اهمیت شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعوا از آن جهت است که با جان و مال و ناموس افراد مرتبط است، بنابراین شهادت شهود یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین دلایل اثبات دعوا و محاکمات قضایی بشمار می‌رود. شهود، افرادی هستند که یا مستقیم در جریان مسائل بوده یا غیرمستقیم از طریق دیگران اطلاعاتی دارند که اگر بیان شود دستگاه قضایی را در جهت کشف حقیقت و اجرای عدالت کمک می‌کنند، اما در این میان باید اذعان کرد که تحول و پیشرفت علوم و فنون در تمام زمینه‌ها موجب شده که در کشف بسیاری از جرایم و حتی اثبات آن‌ها، قاضی بدون رجوع به اشخاص خبره و کارشناس نتواند در مقام اثبات جرایم گام بردارد و ناگزیر است رأی خود را براساس نظر اشخاص بنا نهد که به دلیل داشتن تخصص در علم یا فن خاصی یا حتی داشتن تجربه و تبحر و مهارت، توانایی لازم برای روشن کردن موضوع را دارا می‌باشند. کارشناسی یکی از مهمترین مصادیق امارات قضایی است.

بسیار اتفاق می‌افتد که به دلیل عدم تسلط دادرس به موضوع و اطلاعات تخصصی برای تشخیص امر، نیاز به رجوع به اهل خبره یعنی اهل فن لازم می‌گردد که قانون از این افراد تعبیر به کارشناس نموده است، بنابراین در عصر ادله علمی، باید کارشناس را ملکه کیفری خواند. آنچه ضرورت تحقیق با عنوان «شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفیت حصول علم در کارشناسی و شهادت شهود» را ایجاب می‌کند، یکی از آن‌ها وجود تعارض شهود با کارشناسی می‌باشد که در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا کارشناسی قسمی از شهادت است یا ماهیت مستقلی دارد؟ یا در زمره اماره‌هاست. پاسخ به این پرسش بدین جهت اهمیت دارد که قانون مدنی، کارشناسی را در زمره دلایل و کنار سایر ادله آورده است و این سنخ طرح و مطالعه ذهن را متوجه این اشکال می‌کند که آیا کارشناس را باید ملحق به یکی از ادله شناخته شده در قانون مدنی کرد و از اقسام شهادت و اماره دانست یا آن را ابزار مستقلی برای تحقیق دادگاه و کشف واقعه شمرد. باید بتوان پاسخ داد از وجود اشتراک جوهر و ماهیت شهادت و کارشناسی نمی‌توان نتیجه گرفت که احکام هر یک از این دو مفهوم در دیگری قابل اجرا است.

نگارنده در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به برخی از این پرسش‌ها است که شامل: شرایط کارشناس در حقوق چیست؟ موارد ارجاع به کارشناس در حقوق چیست؟ شرایط کارشناس در فقه چیست؟ شرایط شاهد در فقه چیست؟ شرایط

اعتبار مفاد شهادت چیست؟ بنابراین مقاله پیش رو با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با توجه به طرح موضوعات مطروحه در سه قسمت اصلی نگاشته شده است. قسمت اول مفهوم‌شناسی (بررسی مفهوم کارشناسی، شرایط کارشناسی در فقه، در حقوق، کیفیت حصول علم)؛ قسمت دوم بررسی مفهوم شهادت، شهود، انواع شهادت، کیفیت حصول علم؛ قسمت سوم، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های حصول علم در کارشناسی و شهادت شهود.

#### پیشینه تحقیق

موضوع شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفیت حصول علم در کارشناسی و شهادت شهود جزء موضوعات بسیار پرکاربرد و پرسش‌برانگیز است و از جنبه‌های مختلف در رابطه با آن‌ها بحث شده است. مقالات متعددی پیرامون هر یک از مباحث و عناوین وجود دارد که در ادامه، به چند نمونه اشاره شده است:

محمدهادی ساعی و مریم ثقفی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اعتبار نظریه کارشناسی از منظر فقه و حقوق»، به بررسی نظر کارشناس در حقوق و فقه می‌پردازد، به این ترتیب که نظر کارشناس و میزان اعتبار آن در حقوق، نظر اهل خبره و حجیت آن در فقه، امارات و انواع ظنون و ظن حاصل از نظر اهل خبره و سرانجام، تکلیف قاضی در اجرای نظر کارشناس را مورد تحلیل و تبیین قرار می‌دهد. نویسندگان مقاله هر چند به نظرات در مورد کارشناسی پرداخته اما نکته‌ای در مورد کیفیت حصول علم کارشناسی مطرح نکرده است.

مهدی حسن‌زاده (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «رابطه کارشناسی و شهادت در فقه و حقوق»، با بررسی رابطه «کارشناسی» با یکی دیگر از مهمترین ادله اثبات دعوی، یعنی «شهادت»، قدمی در جهت تبیین موقعیت کارشناسی در میان ادله اثبات دعوی، برداشته است. در این پژوهش هرچند ضابطه تشخیص شهادت، مستند شهادت و کیفیت حاصل شدن علم که از حواس ظاهری است و ناشی از حس یا مبادی قریب به حس می‌باشد و اشاره به وجوه افتراق کارشناسی و شهادت می‌کند اما در نهایت شباهت‌ها را بیان نکرده است.

حسین سادات میدانی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «پذیرش و اعتبار شهادت و شهادت کارشناسی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، ضمن بررسی آن دسته از پرونده‌های مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری که در آن‌ها اصحاب دعوی از شاهد و شاهد کارشناس جهت اثبات ادعاهای خویش بهره گرفته‌اند، ارزش اثباتی آن‌ها را در رویه این دیوان تشریح نموده است. نگارنده در این مقاله هرچند به توصیف شاهد و شاهد کارشناسی می‌پردازد و به رویه قضایی دیوان در مورد شهادت اشاره می‌کند و ارزش اثباتی شهادت را می‌گوید اما به

کیفیت حصول علم در شهادت شهود و کارشناسی اشاره‌ای نکرده است، حال آنکه هدف این مقاله بعد از بیان چگونگی حصول علم در هر کدام اشاره به شباهت و تفاوت بین آن‌ها می‌باشد. چرا که با وجود شباهت و تفاوت بین آن‌ها، ارتباط بین آن‌ها بهتر مشخص می‌شود.

### شرایط کارشناس در حقوق

در قانون کارشناسان، برای افرادی که متقاضی پروانه کارشناسی هستند بغیر از وثاقت، شرایط دیگری هم پیش‌بینی شده است: از جمله تدین به دین مبین اسلام و یا یکی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، تابعیت ایران و نیز نداشتن پیشینه کیفری موثر، عدم اعتیاد به مواد مخدر، نداشتن وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروه‌های غیرقانونی، داشتن دانشنامه کارشناسی یا بالاتر در رشته مورد تقاضا و حداقل پنج سال سابقه تجربی در رشته مربوط بعد از اخذ مدرک تحصیلی، دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن، موفقیت در آزمون (ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی و داشتن معافیت یا کارت پایان خدمت). بنابراین، با توجه به شرایط کارشناس در حقوق، می‌بایست اینگونه بیان نمود که، شرایط شاهد مانند عدالت و تعدد برای کارشناس وجود ندارد و وثاقت کارشناس کفایت می‌کند.

### موارد ارجاع به کارشناس در حقوق

در حقوق در موارد تخصصی به کارشناس ارجاع داده می‌شود که اگر بنا باشد دسته‌بندی انجام پذیرد، به صورت ذیل خواهد بود:

❖ در امور ثبتی مانند تفکیک یک قسمت از ملک بدون نقشه (مجموعه محشای بخشنامه‌های ثبتی) تهیه نقشه ملک مورد تحدید (حقوق ثبت اسناد و املاک)، تهیه نقشه تفکیکی املاک شهرداری توسط کارشناسان شهرداری (شهری، ۱۳۸۲: ۲۷۳).

❖ در امور پزشکی قانونی: بعنوان یک متخصص.

❖ در دعاوی مدنی برای تشخیص جنون، قابل درمان بودن بیماری‌های عیوب مجوز فسخ که در صورت درمان حق فسخ از بین می‌رود (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۶۹۵).

❖ در دعاوی کیفری ارجاع به پزشکی قانونی برای تعیین موضوع و میزان آسیب وارده در اثر جنایت، تعیین میزان ارش، دیه، امکان استیفای قصاص، همانطور که در مواد ۶۴۰، ۶۷۲، ۶۷۱ و ۷۲۱ قانون مجازات

اسلامی) تشخیص موضوع برعهده کارشناس خبره است. از جمله موارد دیگر که شامل ارجاع امر به پزشکی قانونی می‌شود، ارجاع برای اثبات جرم و مجرمیت و مسئولیت کیفری است. مثلاً تشخیص مرگ با تاریخ، تشخیص هویت متوفی، نوع بیماری صعب‌العلاج (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

❖ در امور مدنی مانند تعیین قیمت و ارزشیابی اموال منقول و غیرمنقول (مانند تعیین ارزش در صورت معیوب بودن مبیع) (ماده ۴۳۷ قانون مدنی)، تعدیل اجاره‌بها (ماده ۴ و ۵ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶)، ارجاع به کارشناسی برای تعیین بهای خواسته (منصور، ۱۳۹۳: ۶۳) تقویم و تعیین بهای عرصه املاک (تبصره ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی (ساعتچی، ۱۳۸۵: ۸۹).

### شرایط کارشناس در فقه

۱. اهلیت و کمال: مفهوم کمال در فقه، یعنی «بلوغ و عقل» (ارجمند دانش، ۱۳۷۸: ۲۹۱) اما اینجا منظور همان موردی است که در حقوق به آن اهلیت استیفا گفته می‌شود. یکی از مواردی که فرد ممنوع از معامله می‌شود به علت نقصان اهلیت است. عبد کسی است که به علت نقصان اهلیت نمی‌تواند معامله را خود انجام بدهد. در کارشناسی از جمله کارهایی که برعهده ایشان است تقسیم اموال می‌باشد (شیخ طوسی، ۱۳۷۸: ۱۳۳).
- تشخیص قبله از روی ادله و امارات (شهید اول، ۱۴۱۷ ق: ۱۵۹).
۲. اسلام و ایمان: منظور از ایمان، اسلام است، البته در معنای عام (فیومی، ۱۴۱۸ ق: ۳۳) و در معنای خاص اعتقاد به اهامت و ولایت ائمه دوازده‌گانه شرط صحت تمامی عبادت‌هاست (نجفی، ۱۹۸۱ م: ۶۳۰).
- البته در مواردی مسلمان بودن کارشناس (خبره) شرط نیست و عمل کردن بر طبق ظن حاصل از قول او نیز جایز است، مانند تشخیص قبله توسط خبره فاسق یا کافر (شهید اول، ۱۴۱۷ ق: ۱۵۹/۱) و یا تشخیص ضرر استعمال آب برای وضو با استناد به قول فاسق (بحرانی، ۱۴۰۰: ۲۸۸) و نیز اثبات شرایط تحقق رضاع (رویدن گوشت و محکم شدن استخوان به سبب شیر) به استناد به قول کارشناس یا خبره واحد فاسق (موسوی بجنوردی، ۱۴۳۰ ق: ۳۵۰).
۳. عدالت و تعدد: عدالت عبارتست از مراقبت بر گناهان بزرگ و ترک اصرار ورزیدن بر گناهان کوچک. این مراقبت باید در حد ملکه باشد (نراقی، ۱۳۷۵: ۳۰۶)، هرچند عدالت ظاهری کفایت می‌کند و اما اینکه در چه مواردی عدالت و تعدد شرط است: از جمله در تشخیص از بین رفتن حس

چشایی (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۹۲/۲) و نیز تشخیص از دست دادن حس بویایی که باز هم عدالت و تعدد شرط است اما در تشخیص از بین رفتن حس شنوایی (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۱۲۵/۷) احتیاط در تعدد و عدالت متخصص است (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۸۹/۲) و نیز از بین رفتن نور چشم (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق: ۱۰۴۰/۴)، زوال عقل هم (علامه حلی، ۱۴۱۹ ق: ۶۸۴/۳) و سقط جنین هم (فاضل هندی، ۱۴۱۸ ق: ۶۳۳/۷-۲۶۸). اما در مواردی دیگر حتی اگر خبره یک نفر هم باشد کفایت می‌کند: مثلاً تشخیص قبله (شهاد اول، ۱۴۱۷ ق: ۱۵۹/۱) و نیز تشخیص ضرر روزه (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق: ۲۶۹/۵) و موقعی که شک هست در مرده یا زنده به دنیا آمدن طفل جهت ارث (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق: ۲۴۴/۶) و نیز اثبات پدیده کسوف و خسوف (طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴ ق: ۴۱/۷) و نیز در موارد تقسیم اموال (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۱۳۳/۸) و جایکه آب برای وضو ضرر دارد (علامه حلی، ۱۴۱۳ ق: ۳۴/۳) و تخمین زدن مقدار میوه‌های انگور و نخل برای دادن زکات (طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۱۳۴/۸-۱۳۳).

در برخی موارد عدالت شرط نیست: از جمله اثبات عیوب جذام و برص در زن که مجوز فسخ نکاح است (بحرانی، ۱۴۰۰: ۳۵۸) و نیز در تشخیص بیماری سختی که به مرگ منجر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق: ۵۲).

۴. وثاقت: به معنای «موثق بودن و طرف وثوق (اطمینان) مردم بودن (معین، ۱۳۷۱: ۴۹۷/۴). از جمله مواردی که وثاقت شرط شده است: مانند تشخیص داخل شدن وقت با اذان موذن ثقه (صدر، بی تا: ۲۸۹/۱) و نیز تشخیص منلی و قیمی (زین‌الدین، ۱۴۱۳ ق: ۱۰۲/۷). تشخیص حمل در تصدیق ادعای زن مطلقه به وجود حمل (خمینی، ۱۴۳۴ ق: ۳۱۵/۲).

۵. جنسیت (مذکر یا مونث بودن): مواردی در فقه است که فقط مربوط به زنان است و اظهار نظر خبره زن مورد پذیرش می‌باشد (خمینی، ۱۳۹۰: ۳۱۵/۲) و نیز شهادت چهار زن قابل به حامله بودن زنی که هنگام قصاص مدعی حمل است (خمینی، ۱۳۹۰: ۵۳۹/۲-۵۳۸).

#### موارد ارجاع به کارشناس در فقه

از جمله این موارد، حکم به حلیت نجاست و حرمت، عبادات، اشخاص و احوال شخصیه، اموال و ملکیت، فقه‌الجزاء، رجوع به لغوی، رجاله.

## کیفیت حصول علم برای کارشناس

با توجه به تعریف کارشناس و شرایط وی در فقه و حقوق، باید گفت علم کارشناس یا تخصص او بر پایه حدس و گمان است، حدسی که از ادراک امری حاصل شده است و در حقوق امروز و رویه قضایی نظر کارشناسی مانند دلایل دیگر از راه‌های کسب علم قاضی محسوب می‌شود و اینکه کارشناس بعنوان دلیل مستقل مطرح می‌شود. با توجه به تعریف دلیل (وسیله آشکار ساختن حقیقتی است که مورد ادعای یکی از اصحاب دعوا و انکار دیگری باشد) باید گفت کارشناسی از دلایل مهم اثبات دعواست. دلیل این مطلب وجود مسائل پیچیده و موضوعات تخصصی و فنی در دعاوی است که لزوم ارجاع به کارشناسی را در پرونده‌ها برای اعلام نظر آنها لازم و ضروری می‌نماید، چرا که قاضی در امور حکمی دعاوی، متخصص است اما در موضوعات فنی تخصصی ندارد.

در قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور فقها، کارشناس بصورت جداگانه در عداد دلایل اثبات دعوا نیامده، اما در این میان استاد کاتوزیان نظر متفاوت و جالب توجهی دارند، ایشان معتقد است: «باید دیدگاه سنتی که در این مورد وجود دارد و نتیجه حاصل از ظن و تجربه را اماره می‌داند، کنار گذاشت و آن را بعنوان دلیل محسوب کرد». ایشان برای تبیین نظر خود این پرسش را مطرح کرد «اگر آنچه را که بعنوان دلیل می‌پذیریم ما را به یقین می‌رساند، آیا به هیچ شاهد عادل می‌توان اعتماد کرد که واقع را به درستی درک و به راستی بیان کرده است؟ پس چرا باید این همه درباره ظنی بودن استقرا و تجربه پافشاری کنیم و خود را از مهمترین دلیل علمی در مرحله اثبات و استنباط و اجتهاد محروم کنیم؟» (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۳۱).

این نظریه در جهت اصلاح قانون و اعتبار بخشیدن به کارشناسی بعنوان دلیل قابل توجه است و باید اذعان کرد که کارشناسی دلیل مستقلى از سایر ادله است. زیرا که در قانون آیین دادرسی مدنی، کارشناسی بعنوان یکی از ادله اثبات دعوا مورد توجه قرار گرفته و از طرفی مبحث رجوع به کارشناسی در فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی که رسیدگی به دلایل است، مطرح شده است و این مسأله جنبه دلالت کارشناسی را تقویت می‌کند. بنابراین همین که کارشناسی جزء امارات قلمداد نمی‌شود و در بسیاری موارد فقط نظر کارشناسی مورد نظر دادگاه قرار می‌گیرد و قاضی به نظر کارشناس اکتفا می‌کند، دلیل بودن کارشناسی را تقویت کرده و ماهیت مستقل کارشناسی را در زمره ادله اثبات دعوا استحکام می‌بخشد و اینکه کارشناسی بعنوان دلیل طریقی است یا موضوعی؟ باید گفت

کارشناسی بعنوان طریق در کشف واقع بکار می‌آید چرا که در راستای کاربرد این امر (طریق بودن کارشناسی) در مقام اثبات دعوا رفع تنازع بین طرفین دعوا در واقع انتظار می‌رود که این طریق راهی باشد برای روشن شدن حقیقت نزد دادرسان به قانون و از همه مهمتر وجدان عدالت‌جوی مشتاقان طریق حق و حقیقت. پس باید گفت اگر کارشناسی بعنوان دلیل باید مطرح شود چون دارای تخصص در رشته علمی یا فنی است و یا به خاطر داشتن تجربه و ممارست شغلی، آگاهی ویژه‌ای دارد که در دسترس مردم عادی نیست و دادگاه اعتقاد و استنباط او را بر پایه اماره‌های علمی و فنی خواستار می‌شود و آنچه حائز اهمیت است اینکه، موضوعی قابل ارجاع به کارشناسی است که اطلاعات درخواست شده نسبت به آن در دسترس دادرس بنا شده و در واقع موضوع کارشناسی ممکن است درخواست اطلاعات یا بیان اعتقاد باشد. پس حصول علم برای کارشناسی کاملاً تخصصی و مهارتی و فنی است که با استنباط حاصل می‌شود.

#### شهادت در فقه

تعریف لغوی شهادت: در مختارالصحاح آمده است: «أشهده علی کذا فشهد علیه» او را بر مطلب خاصی شاهد گرفت.

تعریف اصطلاحی شهادت: شهادت اخبار توأم با قطع و جزم است از وجود حقی برای غیر که از سوی غیرقاضی بعمل آید (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۳/۲۴۰).

شهادت در ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی اینگونه تعریف شده است: شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است. در ماده ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی، شهادت شرعی آن است که شاهد آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد.

شاهد: شاهد یا گواه شخصی است که امری را به نفع یکی از طرفین دعوا و به زیان دیگری اعلام می‌کند و هیچ نفع یا ضرری در اصل قضیه ندارد. شرایط شاهد: شهید اول در «الدروس الشرعیه» شرایط را ده عدد ذکر نموده است. در مقابل آقای خوبی در مبانی تکملته‌المنهاج، شرایط را ۵ عدد دانسته است.

ها نیز به متابعت از اکثریت علما، بحث را براساس شش‌گانه ارائه می‌دهیم. شرایط شش‌گانه‌ای که وجود آن‌ها در شاهد لازم است عبارتند از: «بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، طهارت مولد، انتفای تهمت در شاهد».

شهادت با توجه به اقسام آن در فقه که براساس جنسیت شاهد به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- مواردی که فقط با مردان ثابت می‌شود؛ ۲- مواردی که با

وجود مردان و زنان ثابت می‌شود؛ ۳- مواردی که فقط با وجود زنان ثابت می‌شود.

در حقوق، شهادت به دو دسته شهادت مستقیم و شهادت غیرمستقیم تقسیم می‌شود. با توجه به انواع شهادت باید به شرایط اعتبار شهادت اشاره کرد:

- شرایط اعتبار مفاد شهادت: مطابقت آن با دعوا و قطع و یقین شاهد و اتحاد شهادت گواهان.

- شرایط لازم در شاهد: که پیشتر اشاره شد.

لزوم یقین و قطع در شهادت: در این باره که علم و جزم شاهد در آنچه خبر می‌دهد شرط اعتبار شهادت است و اعلامی که با تردید یا به گمان و حدس گفته می‌شود اثری در اثبات دعوا ندارد، هیچ تردیدی نیست. ماده ۳۱۵ قانون مدنی و تأیید همین مطلب مقرر می‌کند: «شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه بطور شک و تردید». اما برخی از فقیهان پا را فراتر نهاد و یقین و علم شاهد را از اوصاف جوهری و داخل در مفهوم عرفی شهادت دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱ م: ۴/۱۲۵-۱۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۲/۶۶۶).

از آثار مهم این اعتقاد، آوردن شرط علم در تعریف شهادت است، قانون مدنی از شهادت تعریفی ارائه نمی‌کند، اما از اینکه وجود قطع و یقین را در زمره شرایط شهادت آورده است، چنین استنباط می‌شود که علم شاهد شرط اعتبار شهادت او است نه تحقق مفهوم شهادت. از سوی دیگر مستند شهادت عرف باشد. در دید عرف اخبار از روی شک و تردید هم شهادت است، البته شهادتی که قانون معتبر نمی‌داند. به این جهت است اگر مستند شهادت شاهد ظنی باشد که شرع معتبر دانسته است باید آن را در حکم علم شمرده و نیز ظن قوی و نزدیک به علم «متأخم به علم» نیز مانند یقین است.

با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفیت حصول علم در کارشناسی و شاهد می‌باشد، بنابراین برای درک مفهوم کامل این شرط توجه به چند نکته، اساسی و ضروری می‌باشد:

- مقصود از علم شاهد به درستی آنچه می‌گوید «علم عادی» است ظنی که عرف خردمندان معتبر بدانند و به آن اعتماد کند از شاهد بیش از این نمی‌توان انتظار داشت پس باید پذیرفت که مقصود از دو واژه «قطع و یقین» در ماده ۳۱۵ قانون مدنی، قطع و یقین عرفی است و آنچه به صراحت منع شده، اعتماد به دودلی و شک و تردید است.

- یقینی که شاهد به آن می‌رسد باید از راه متعارف و محسوس باشد نه خیالبافی و پندار و گمان بطور معمول شاهد باید در صحنه‌ای که به آن گواهی می‌دهد حضور داشته باشد و آنچه را می‌بیند یا می‌شنود نقل کند. با

وجود این حس چشایی و لامسه نیز گاه وسیله رسیدن به آگاهی و یقین است و نمی‌توان مستند علم شاهد را منحصر به دیدن و شنیدن کرد. در برخی موارد نیز شیاع و تکرار گفته‌ها وسیله ایجاد یقین می‌شود و حضور شاهد و دیدن و شنیدن واقعه مورد نظر کمتر اتفاق می‌افتد مانند زایمان و نزاعات خانوادگی و غیره.

➤ لزومی ندارد که یقین شاهد بطور مستقیم ناشی از یکی از حواس ظاهری باشد. می‌تواند از اماره‌ها و نشانه‌های قانونی و عرفی به نتیجه مطلوب برسد و استنباط خود را که به یقین دریافته است گواهی کند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۶/۱۸/۲).

### کیفیت حصول علم در شهادت شاهد

علم در شهادت یا از طریق دیدن بدست می‌آید و یا از راه شنیدن و یا از هر دو طریق. در اموری مانند غصب، سرقت، قتل، رضاع (شیردهی)، ولایت، زنا و لواط، نیاز به رویت و شاهد است. محقق اردبیلی معتقد است: بوسیله شنیدن هم علم به وقوع افعال حاصل می‌گردد، به این ترتیب که انسان گاهی وقوع چنین افعالی را از گروه زیادی از مردم می‌شنود و یقین پیدا می‌کند. مثل سایر اخبار متواتر که علم بدست می‌آید و هیچ مانعی برای پذیرش شهادت بر مبنای آن وجود ندارد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ ق: ۴۴۴/۱۲).

بعضی از امور بوسیله شنیدن و شیاع (شایع بودن امری میان مردم) که در فقه به آن «استفاضه» می‌گویند، ثابت می‌شود اما در تعداد این امور، بین فقهای شیعه اختلاف است. بطور مثال، از اسکافی فقط نسب در اصباح‌الشیعه، نسب، موت و ملک حکایت شده است. در مختصرالنافع، تبصره‌المتعلمین، نسب و ملک مطلق و نکاح و وقف، ذکر شده است و در قواعد الاحکام و المبسوط، الوسيله، جامع المقاصد و الاقتصاد و تلخیص الحرام، نسب، موت، ملک مطلق، نکاح، وقف، عتق و ولایت قاضی ذکر شده است. در تحریر الاحکام رقیب (بنده بودن) را هم نهمین مورد آورده است.

سومین طریق حصول علم در شهادت، دیدن و شنیدن است. مواردی که به اتفاق علما، نیاز به دیدن و شنیدن است، عبارتند از عقود و ایقاعات مانند نکاح، بیع، صلح، اجاره و طلاق و امثال آن، چون حس شنوایی برای فهمیدن لفظ، کافی است، اما برای شناسایی فرد متکلم به حس بینایی هم نیاز است. بعضی از علما گفته‌اند: راه حصول علم منحصر به دیدن و شنیدن نیست، بلکه از راه حواس دیگر مانند چشیدن در چشیدنی‌ها، بوییدن در بوییدنی‌ها و لمس کردن، نیز علم به موضوع بدست می‌آید (طوسی، ۱۴۰۸ ق: ۲۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ ق: ۳۴۲؛

محقق حلی، ۱۴۱۸ ق: ۳۶۵؛ حلی، ۱۴۱۳ ق: ۴۵۰؛ مکی (شهید اول)، ۱۳۸۱: ۴۱۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق: ۱۸۰؛ حلی، ۱۳۷۸: ۲۱۱/۲؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ ق: ۴۴۳/۱۲؛ خوانساری، ۱۳۵۵: ۱۳۸/۶؛ خویی، ۱۳۹۳: ۲۵/۲؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۴۰۳/۲.

امام خمینی نیز فرموده است: ضابطه این است که باید شهادت با یقین و علم قطعی همراه باشد. بنابراین در مواردی که دیدن، شنیدن و چشیدن ممکن باشد، اگر از راه دیگری غیر از حواس پنجگانه، مانند تواتر و شهرت هم علم بدست آمد، کفایت می‌کند که اینجا دو قول مطرح می‌شود. قول بهتر، کافی بودن علم است حتی اگر از راه‌های غیرحسی بدست بیاید، اما به لحاظ اهمیت شهادت بعنوان یکی از ادله اثبات دعوا، که سرنوشت جان، مال و ناموس افراد را تعیین می‌کند، سزاوار نیست در اثبات دعاوی که بعضاً اثرات مهم و تبعات سنگینی در پی دارد به امری دارای منشا غیر منضبط، مبهم، نامعلوم و در نهایت، غیرقابل اطمینان (شهادت غیرمستند به حس) تمسک کرد. بنابراین در آن دسته از دعاوی که شهادت مثبت دعوی است به جز مواردی که به دلیل خاص فقط استفاضه در آن‌ها کافی است باید استناد به حس بودن علم را شرط پذیرش شهادت بدانیم. فقهای اهل سنت نیز استناد به حس را در شهادت شرط دانسته‌اند و فرموده‌اند: «سزاوار است که شاهد در ادای شهادت، لفظ شهادت را بکار برد و بگوید: شهادت می‌دهم به فلان واقعه ... نه اینکه بگوید «علم دارم» یا «یقین دارم» که در این صورت شهادت او قابل پذیرش نیست (زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۵۷۴/۶).

با وجود اختلاف بین فقها، مبنی بر مستند بودن علم شاهد به امور حسی یا غیر آن، قانون‌گذار صراحتاً نظر آن دسته از فقهایی را پذیرفته است که مستند علم شاهد را امور حسی می‌دانند. همانطور که ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی بیان داشته است: شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود.

بنابراین مطابق این ماده، اولاً، شاهد باید از روی علم و یقین شهادت بدهد و ثانیاً این علم و یقین بایستی از طریق امور حسی برای وی حاصل شده باشد. نکته‌ای که مهم است این است که شهادت از روی قطع و یقین و مستند به حس باید از «طریق متعارف» حاصل شده باشد. توضیح آنکه در واقع شاهد بایستی به مفاد شهادت علم و یقین داشته باشد و نهایتاً مستند این علم و یقین امور حسی باشد و حواسی که شخص را به علم و یقین می‌رساند بایستی از طریق معمول و متعارف باشد، بنابراین اگر شخص از طریق علوم غریبه (مثلاً جفر یا رمل) یا هیپنوتیزم و امثال آن چیزی را ببیند یا بشنود و به علم و یقین برسد، این علم و یقین اگر چه از راه حسی است، مورد پذیرش واقع نخواهد شد.

## شباهت‌ها و تفاوت‌ها

### ➤ شباهت

کارشناس همانند شاهد اطلاعات خود را درباره موضوع تحقیق بیان می‌کند و دادگاه با اعتماد به صلاحیت علمی و اخلاقی (فهم درست و راستگویی) او، این گفته‌ها را بعنوان اماره‌های اثبات موضوع می‌پذیرد. شاهد را نباید ماشین ضبط و پخش صدا و تصویر پنداشت. او از آنچه می‌بیند و یا می‌شنود و یا حس می‌کند به نتیجه‌گیری می‌پردازد و حاصل استنتاج خود را خبر می‌دهد. کارشناس نیز در نتیجه فرآیند روانی به تصمیم و اعتقاد خود می‌رسد، او هم آنچه را دریافت می‌کند گروه پراکنده‌ای از نشانه‌ها و قرینه‌ها و بازتاب‌ها است و ذهن کارشناس است که در فهم و دسته‌بندی و نتیجه‌گیری از آن داده‌ها و تأثیرهای خارجی دخالت دارد. به این ترتیب، گواهی شاهد و کارشناسی از یک سنخ است و ماهیت مشترک دارد.

### ➤ تفاوت

۱. کارشناس، به دلیل تخصص در رشته علمی یا فنی یا داشتن تجربه و ممارست شغلی، آگاهی ویژه‌ای دارد که در دسترس مردم عادی نیست، به همین دلیل، قانون برای شهادت این گواه متخصص آثار و تشریفات خاص معین کرده است. در واقع کارشناس، مشاور دادگاه در تمیز حق است، در حالی که شاهد ماده خاصی از واقع را در اختیار او قرار می‌دهد تا خود به تأمل آنچه را نیاز دارد استنباط کند و به بیان دقیق‌تر، درجه استنباط کارشناس در بیان آنچه می‌گوید به مراتب بیشتر از نتیجه‌گیری‌های متعارف در مورد گواهان عادی است.
۲. در گواهی، آنچه دادگاه از شاهد می‌پرسد، دریافت و فهم او از واقع است که با بیان دیده‌ها و شنیده‌های شاهد انجام می‌شود، خواه این محسوسات بطور مستقیم با واقع مربوط باشد یا محسوس شاهد معینی را بیان کند. بدین ترتیب، دادگاه از شاهد اعتقاد و استنباط نمی‌خواهد، اما در مورد کارشناس، دادگاه اعتقاد و استنباط او را بر پایه اماره‌های علمی و فنی خواستار می‌شود.
۳. شاهد از اطلاعات پیشین خود خبر می‌دهد، در حالی که کارشناس از اعتقاد کنونی خود سخن می‌گوید، سخنی که چهره انشایی ندارد اما در هر حال تقسیم و استنباط و دست یافتن به محصول و تحقیق است نه روایت یا بیان خاطره‌ها (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۲/۱۱۳-۱۱۱)

### نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط کارشناس در حقوق، علاوه بر وثاقت، تدین، تابعیت ایران و موارد ارجاع به کارشناسی در امور ثبتی، تهیه نقشه تفکیکی املاک شهرداری، امور پزشکی و دعاوی مدنی و کیفری و شرایط شاهد در فقه که عبارتند از بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد و ... و نیز شرایط اعتبار آن یعنی مطابقت آن با دعوا، قطع و تعیین شاهد اتحاد شهادت گواهان و سایر موارد دیگر که در این پژوهش به آن اشاره شد باید به این نکته مهم اشاره کرد که هدف اصلی این پژوهش بررسی کیفیت حصول علم و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های بین کارشناسی و شهادت شهود است. مهمترین سوالی که در این تحقیق باید به آن پاسخ داد این است که در چه مواردی لزوماً باید به کارشناسی ارجاع شود در چه موضوعاتی حتماً باید کارشناس حضور داشته باشد، بنابراین مبتنی بر این مسأله است که علم او چگونه حاصل می‌شود و تا چه اندازه می‌تواند به نظر قاضی کمک کند. با توجه به عنوان مقاله، شهادت نیز در فقه و حقوق هر چند مختصر تعریف شده، شرایط اعتبار آن بیان گردیده است و چگونگی کسب علم در آن تبیین شده است.

بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها، بهترین نتیجه‌ای که خواهد داشت این است که نمی‌توان به صرف وجه شباهت هر کدام از ادله دعوا بجای دیگری قرار داد.

### منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۴ م)، لسان‌العرب، چاپ سوم، چاپ ششم، بیردا، دارالفکر.
۲. ارجمند، دانش جعفر (۱۳۹۱)، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهنامی.
۳. اصفهانی (فاضل هندی)، بهاء الدین محمد بن الحسن (۱۴۱۸ق)، کشف اللثام عن قواعد الأحكام، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. بحرانی، یوسف محقق بحرانی (۱۳۶۳)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۵. بهرامی، بهرام (۱۳۸۳)، اجرای احکام کیفری، چاپ سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه.
۶. حسینی روحانی، محمد (۱۴۱۴ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم.
۷. حسینی سیستانی، علی (بی‌تا). تعلیقه علی العروة الوثقی، بیروت، دار المؤرخ العربی.

۸. حسینی عاملی، محمد جواد (۱۴۲۲ ق)، مفتاح الكرامة، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۹. حسینی یزدی فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۸۵-۱۳۸۶)، عنایة الأصول فی شرح کفایة الأصول، چاپ هفتم، قم، انتشارات فیروز آبادی.
۱۰. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق)، نهاییة الأحكام فی معرفة الأحكام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق) منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، جلد سوم، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
۱۲. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)، قواعد الأحكام، چاپ اول، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق.
۱۴. حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت الله لإحياء التراث.
۱۵. خمینی، مصطفی (۱۳۷۶)، تحریر العروة الوثقی، چاپ اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. خوانساری، احمد (۱۴۰۵ ق)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۷. زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ ق)، کلمة التقوی چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. ساعتچی، حسین (۱۳۸۵)، قانون روابط موجر و مستأجر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.
۱۹. شهري، غلامرضا (۱۳۸۲)، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات جهاددانشگاهی.
۲۰. صدر، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، الفتاوی الواضحه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۲۱. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۰۴ ق)، مستمسک العروه الوثقی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۳۹۸ ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، چاپ دوم، قم، منشورات جامعه النجف الدینیة.
۲۴. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد یکم و چهاردهم، قم، مؤسسه معارف اسلامی.

۲۵. کاتوزیان، امیرناصر (۱۴۰۰)، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، چاپ دوازدهم، نشر میزان.
۲۶. محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۱ق)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الأذهان، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۷. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۰۹ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال.
۲۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۵)، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، چاپ سیزدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۹. معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه کیفری استان تهران، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، چاپ بیستم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۱. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، المصباح المنیر، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالهجره.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیة، چاپ سوم، قم، مدرسه الإمام أمير المؤمنين الیه.
۳۳. مکی عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد (۱۴۱۲ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۴. منصور، جهانگیر (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر دوران.
۳۵. موسوی بجنوردی، محمد حسن بن علی اصغر (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیة، چاپ اول، قم: الهادی.
۳۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسیلة، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۷. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۶۴)، تقریر آقای لطفی، کتاب الحج، چاپ دوم، قم.
۳۸. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، عولئد الأیام، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.